

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Jurisprudential and Legal Analysis of the Mechanism of the Peace Contract as a Tool for Legal Deception

Abolfazl Ebrahimi<sup>1</sup>, Mehdi Fallah kharyeki\*<sup>1</sup>

1. Department of Private Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

\* Corresponding Author's Email: mehdifallahkharyeki@iau.ac.ir

### ABSTRACT

The Peace (amicable settlement) contract is one of the most significant institutions in the Iranian legal system and Islamic jurisprudence. Due to its flexibility and broad functionality, it occupies a unique position in resolving disputes and regulating legal relationships. However, this very flexibility creates opportunities for misuse and improper applications, including the employment of legal tricks and the circumvention of statutory rules. This study aims to examine the jurisprudential and legal mechanism of the Peace contract as a tool for legal deception, analyzing its various dimensions and exploring strategies to prevent its misuse. In the jurisprudential section, it is emphasized that the legitimacy of the parties' intentions and the contract's compliance with public order and good morals are fundamental conditions for the validity of a Peace contract, rooted in Islamic sources. From a legal perspective, Iranian law—particularly Articles 757 to 760 of the Civil Code—stresses the legitimacy of contractual purposes and prohibits the use of Peace contracts to circumvent laws or fulfill illegitimate obligations. For instance, employing a Peace agreement to evade taxes or debts, unlawfully transfer property, or establish fictitious agreements are considered forms of legal deception and are deemed invalid within the judicial system. Ultimately, by examining legal constraints and supervisory mechanisms, including judicial oversight regarding the legitimacy of intentions and transparency of Peace agreements, it is determined that preventing the abuse of this contract requires a combination of legislative reform, strengthening judicial practices, and enhancing legal awareness among the parties. This study recommends that the judiciary can play a more effective role in limiting the misuse of this legal instrument by issuing practical guidelines and increasing oversight of the drafting and registration of Peace agreements.

**Keywords:** *Peace contract, legal deception, Islamic jurisprudence, Iranian Civil Code, legitimacy of intent and will, judicial supervision.*

How to cite: Ebrahimi, A., & Fallah Kharyeki, M. (2025). Jurisprudential and Legal Analysis of the Mechanism of the Peace Contract as a Tool for Legal Deception. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-11.



تاریخ ارسال: ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۴

# دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

## بررسی فقهی و حقوقی سازوکار عقد صلح برای حيله نسبت به قانون

ابوالفضل ابراهیمی<sup>۱</sup>، مهدی فلاح خاریکی\*

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mehdifallahkharyeki@iau.ac.ir

### چکیده

عقد صلح یکی از نهادهای مهم در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی است که به دلیل ویژگی انعطاف پذیری و کارکردهای گسترده، جایگاه ویژه‌ای در حل و فصل اختلافات و تنظیم روابط حقوقی دارد. با این حال، همین انعطاف پذیری، زمینه را برای سوءاستفاده و کاربردهای نادرست، از جمله انجام حيله‌های حقوقی و دور زدن قوانین فراهم می‌آورد. این پژوهش با هدف بررسی فقهی و حقوقی سازوکار عقد صلح به عنوان ابزاری برای حيله نسبت به قوانین، تلاش می‌کند ابعاد مختلف این موضوع و راهکارهای جلوگیری از سوءاستفاده از این عقد را تحلیل کند. در بخش فقهی، تأکید می‌شود که مشروعیت نیت طرفین و عدم مخالفت مفاد عقد با نظم عمومی و اخلاق حسنه از الزامات صحت عقد صلح است که ریشه در منابع اسلامی دارد. همچنین، در تحلیل حقوقی، قوانین ایران، به ویژه مواد ۷۵۷ تا ۷۶۰ قانون مدنی، بر مشروعیت جهت قرارداد و ممنوعیت کاربرد عقد صلح برای دور زدن قوانین و ایفاء تعهدات غیرمشروع تأکید دارند. به عنوان نمونه، استفاده از صلح برای فرار از مالیات یا دین، انتقال غیرقانونی املاک، و یا ایجاد توافقات صوری، از مصادیق حيله‌های حقوقی محسوب شده و در نظام قضایی فاقد اعتبار خواهند بود. در نهایت، با بررسی قیود و نظارت‌های قانونی، از جمله نظارت قضایی بر مشروعیت نیت و شفافیت در مفاد صلح‌نامه‌ها، مشخص شد که محدودسازی سوءاستفاده از عقد صلح نیازمند ترکیبی از اصلاحات قانونی، تقویت رویه‌های قضایی، و افزایش آگاهی حقوقی طرفین است. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که قوه قضاییه، با ارائه دستورالعمل‌های کاربردی و اعمال نظارت بیشتر بر تنظیم و ثبت صلح‌نامه‌ها، می‌تواند نقش مؤثرتری در کاهش سوءاستفاده از این ابزار حقوقی ایفا کند.

**کلیدواژگان:** عقد صلح، حيله حقوقی، فقه اسلامی، قانون مدنی ایران، مشروعیت قصد و اراده، نظارت قضایی.

نحوه استناددهی: ابراهیمی، ابوالفضل. و فلاح خاریکی، مهدی. (۱۴۰۴). بررسی فقهی و حقوقی سازوکار عقد صلح برای حيله نسبت به قانون. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۲)، ۱-۱۱.

## مقدمه

عقد صلح یکی از ابزارهای مهم حقوقی و فقهی است که قرن‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران، برای حل و فصل اختلافات و تنظیم روابط حقوقی مورد استفاده قرار گرفته است. این عقد به دلیل انعطاف‌پذیری بالا، توانایی جایگزینی سایر عقود معین نظیر بیع، اجاره، و هبه را داراست و در بسیاری از موارد به عنوان راهکاری برای حل اختلافات پیچیده و کاهش دعاوی قضایی میان طرفین به کار می‌رود. اهمیت عقد صلح در نظام حقوقی ایران نیز به گونه‌ای است که قانون مدنی، مواد متعددی را به تعریف و تنظیم شرایط آن اختصاص داده است. با این حال، همین انعطاف‌پذیری و گستردگی کاربرد، زمینه‌ساز سوءاستفاده‌هایی شده است که از آن برای حيله نسبت به قوانین و دور زدن قواعد حقوقی بهره گرفته می‌شود. کاربرد نادرست عقد صلح در مواردی نظیر فرار از مالیات، انتقال مالکیت‌های غیرقانونی، تنظیم توافقات صوری و حل و فصل ساختگی اختلافات، نه تنها موجب تضعیف نظم عمومی و عدالت اجتماعی می‌شود، بلکه نظام حقوقی را نیز در معرض آسیب و بی‌اعتمادی قرار می‌دهد.

فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران تلاش کرده‌اند تا با وضع قیود و محدودیت‌های قانونی، از سوءاستفاده از عقد صلح جلوگیری کنند. در فقه، مشروعیت قصد و اراده و عدم مخالفت مفاد صلح با نظم عمومی و اخلاق حسنه از شروط مهم صحت این عقد است. در حقوق موضوعه نیز، مواد مرتبط با عقد صلح در قانون مدنی، به‌ویژه مواد ۷۵۷ تا ۷۶۰، تأکید دارند که این عقد نمی‌تواند به عنوان ابزاری برای انجام امور غیرمشروع یا ترفندی برای فرار از تعهدات قانونی استفاده شود. این مقاله به بررسی سازوکار عقد صلح در نظام فقهی و حقوقی با تمرکز بر ابعاد سوءاستفاده و حيله‌های حقوقی پرداخته و تلاش می‌کند با ارائه تحلیل‌های دقیق، زمینه‌های استفاده درست از عقد صلح و جلوگیری از رفتارهای نادرست را

شناسایی کند. با تمرکز بر قواعد فقهی و مقررات قانونی، این مطالعه به تحلیل نقاط ضعف و قوت نظام نظارتی موجود و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح و تقویت سازوکارهای حقوقی در این حوزه خواهد پرداخت.

## ۱- مفهوم صلح

**الف: تعریف فقهی عقد صلح:** از دیدگاه فقه اسلامی، عقد صلح یکی از عقود لازم شمرده می‌شود و به عنوان ابزاری برای پایان دادن به اختلافات و نزاع‌ها میان افراد یا طرف‌های درگیر در یک مسئله مشخص به کار می‌رود. این توافق ممکن است در رابطه با موضوعی باشد که از نظر فقهی جزو دسته‌بندی‌های دیگر عقود (مانند خرید و فروش، اجاره و غیره) نباشد. همچنین، در فقه اسلامی، عقد صلح گستره وسیع‌تری دارد و می‌تواند حتی برای مواردی غیر از اختلاف حل‌کننده (مانند انتقال مال یا انتفاع) استفاده شود.

**ب: تعریف حقوقی عقد صلح:** از دیدگاه حقوق ایران، عقد صلح توافقی است که در آن دو طرف بر سر امر معین توافق می‌کنند، حتی اگر اصل این توافق از عقود دیگر مانند بیع یا اجاره نباشد. مفهوم عقد صلح در حقوق ایران انعطاف زیادی دارد و می‌تواند جایگزین سایر عقود با قواعد سختگیرانه‌تر شود. بر اساس ماده ۷۵۸ قانون مدنی ایران، صلح ممکن است یا برای رفع تنازع موجود یا جلوگیری از تنازع احتمالی آینده تنظیم شود و همین ویژگی باعث انعطاف‌پذیری این عقد شده است.

## ۲- ویژگی‌ها و قابلیت‌های عقد صلح

**الف: انعطاف‌پذیری در فقه اسلامی و حقوق ایران:** عقد صلح از جمله قراردادهایی است که بر اساس نظریه حاکمیت اراده، قابلیت انعطاف بالایی دارد و می‌تواند برای حل و فصل اختلافات و ایجاد صلح بین طرفین استفاده شود. همین ویژگی‌ها در کنار آزادی در تنظیم این قرارداد، امکان سوءاستفاده از آن برای اعمال غیرقانونی را نیز فراهم می‌کند (Emami, 1996).

### ب: کاربردهای مشروع و نامشروع

- مشروع: عقد صلح برای پایان دادن به دعوای، تسهیل معاملات قانونی، و سازش میان طرفین در چارچوب‌های مشروع استفاده می‌شود.
- نامشروع: گاهی از این عقد برای رسیدن به اهداف نامشروعی مانند تغییر حقوق ارث، پنهان کردن دارایی‌ها از طلبکاران، یا انجام معاملات مخفیانه استفاده می‌شود.

### ۳- بررسی فقهی عقد صلح و قابلیت‌های آن برای حيله

**الف: عقد صلح به عنوان یک ابزار فقهی و حقوقی عقد صلح در** فقه امامیه و حقوق ایران جایگاه بسیار گسترده‌ای دارد. این نوع عقد به دلیل انعطاف در مفاد و امکان تحقق انواع توافقات، جولانگاه آزادی اراده طرفین تلقی می‌شود و در بسیاری موارد جایگزین دیگر عقود (مانند بیع یا اجاره) قرار می‌گیرد. قلمرو این عقد به گونه‌ای است که می‌تواند برای تحقق توافقات پیچیده، بدون نیاز به رعایت شرایط خاص آن عقود، مورد استفاده قرار گیرد. به همین دلیل، این عقد ابزار مفیدی برای تنظیم روابط حقوقی مختلف است، اما همین ویژگی می‌تواند دلیلی برای سوءاستفاده و کاربرد آن به عنوان وسیله‌ای برای حيله باشد (Emami, 1996).

**ب: استفاده از عقد صلح برای حيله و تقلب نسبت به قانون عقد** صلح ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای تقلب نسبت به قانون یا انجام رفتارهای ناعادلانه مورد استفاده قرار گیرد. مثلاً در مواردی که یکی از طرفین قصد دارد بدهی خود را مخفی کند یا از مسئولیت قانونی شانه خالی کند، ممکن است از عقد صلح استفاده شود. چنین مواردی نیازمند تحلیل دقیق نیت طرفین و شرایط انعقاد عقد هستند. در فقه اسلامی، نیت (قصد) نقش مهمی در تعیین مشروعیت و صحت عقد دارد، و اگر نیت طرفین بر فریب یا دور زدن قاعده شرعی یا عرفی مبتنی باشد، عقد می‌تواند باطل اعلام شود.

### ج: جنبه‌های اخلاقی و حقوقی عقد صلح در مواجهه با حيله‌یک

از چالش‌های مرتبط با عقد صلح، نحوه تشخیص مواردی است که این عقد به صورت مشروع منعقد می‌شود یا به عنوان ابزاری برای حيله به کار گرفته می‌شود. از منظر اخلاقی، استفاده از ابزارهای قانونی برای اهداف غیرمشروع نقض اصول عدالت و انصاف محسوب می‌شود. در فقه، بر تطابق نیت طرفین با اهداف مشروع تأکید شده است. اگر مواد پنهانی، شروط گمراه‌کننده یا موقعیت‌های نابرابر در عقد وجود داشته باشد، مشروعیت آن زیر سوال می‌رود.

**ج: راهکارها و توصیه‌ها برای جلوگیری از سوءاستفاده از عقد صلح** برای جلوگیری از سوءاستفاده از عقد صلح، پیشنهاد می‌شود معیارهای روشن‌تری برای تشخیص نیت و شرایط انعقاد این عقد تدوین شود. مثلاً نظارت حقوقی و فقهی بر عقود صلح و پیش‌بینی ضوابطی برای جلوگیری از تقلب می‌تواند مؤثر باشد. فقیهان و حقوقدانان باید در آموزش قواعد مربوط به صلح، امکان‌های سوءاستفاده را به طور دقیق بررسی کنند و مواردی که جنبه حيله‌گرانه دارد را مشخص نمایند (Behbahani).

### ۴- موارد کاربرد عقد صلح جهت ایجاد تغییر ظاهری در ماهیت

#### یک رابطه حقوقی

**الف: قابلیت تغییر ماهیت روابط حقوقی: عقد صلح قابلیت تبدیل** یک رابطه حقوقی به شکل و شمایل قانونی دیگر را دارد. این امر زمانی اهمیت پیدا می‌کند که طرفین بخواهند ماهیت یک رابطه یا حقوق را تغییر دهند، بدون اینکه الزامات حقوقی و قیود قراردادی دیگر قراردادها را به طور مستقیم مورد استفاده قرار دهند. به عنوان ب: جلوگیری از پیچیدگی‌های حقوقی از اهداف اصلی استفاده از عقد صلح، اجتناب از پیچیدگی‌های حقوقی و قراردادی است. این قرارداد می‌تواند سازوکاری ساده‌تر از ابزارهای دیگر برای حل اختلافات یا تنظیم روابط مالی و حقوقی میان افراد ارائه کند. در بسیاری از موارد:

۶- قابلیت سوءاستفاده از عقد صلح: طبق مطالعه‌ای که در فقه امامیه و حقوق ایران انجام شده، عقد صلح دارای موقعیت منحصر به فردی برای تحقق حاکمیت اراده است و همین ویژگی باعث می‌شود که گاه برای اهداف غیر قانونی به کار رود. نمونه‌های فقهی سوءاستفاده به شرح زیر است:

- نمایش حل و فصل ظاهری: در برخی موارد، افراد از عقد صلح استفاده می‌کنند تا ظاهراً دعوا یا اختلافی را حل کنند، اما در واقع قصدشان فریب طرف مقابل یا سیستم حقوقی است.
- ایجاد توافقات غیر واقعی: انعقاد قرارداد صلح ممکن است صرفاً ظاهری باشد تا تعهدات مالی یا حقوقی خاصی را انجام ندهند.

۷- بررسی حقوقی عقد صلح و قلمرو سوءاستفاده از آن: عقد صلح در حقوق ایران و فقه اسلامی یکی از عقود منعطف و جامع است که می‌تواند جایگزین بسیاری از عقود معین شود. اما همین انعطاف‌پذیری در مواردی به سوءاستفاده‌هایی از این ابزار قانونی منجر شده است. اطلاعات مرتبط درباره این موضوع از منابع زیر قابل بررسی است:

الف: انعطاف‌پذیری عقد صلح و سوءاستفاده احتمالی  
قانونگذار ایران عقد صلح را به عنوان یک قالب وسیع تعریف کرده است که می‌تواند اکثر عقود معین را دربرگیرد. این ویژگی باعث شده است که گاه از این عقد برای گریز از محدودیت‌های قانونی یا دور زدن قواعد معاملات معین استفاده شود.

- برخی از موارد سوءاستفاده:
  - تنظیم صلح‌نامه برای انجام معامله‌ای خلاف قانون (مانند معاملات ربوی).
  - استفاده از صلح به جای عقود معین مانند بیع، به منظور گریز از ضمانت‌ها و شرایط قانونی خاص بیع.

- عقد صلح برای تطبیق با شرایط خاص طرفین مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- از آن برای تغییر تعهدات یا انتقال مطالبات خاص بدون استفاده از قالب‌های قراردادی مشخص (مانند اجاره یا شراکت) استفاده می‌شود.

ج: نقش در حقوق خصوصی: مطالعات حقوقی نشان می‌دهد عقد صلح دارای نقش گسترده‌ای در حقوق خصوصی است و از مهم‌ترین موارد کاربرد آن می‌توان به تغییر رابطه‌های مالی یا انتقال املاک در وضعیتی متفاوت از سایر قالب‌های قراردادی اشاره کرد. به طور مثال:

- استفاده از عقد صلح برای تغییر شکل تعهدات مالی.
- استفاده برای انتقال حقوق مالکیت معنوی با شکل متفاوت.

#### ۵- حيله و تقلب از طريق عقد صلح

عقد صلح ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای حل مسائل حقوقی و تنظیم روابط مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، در برخی موارد این عقد می‌تواند برای دور زدن قوانین یا اعمال حيله و تقلب استفاده شود.

به طور مثال:

- انتقال مالکیت خیالی: طرفین ممکن است از عقد صلح برای انتقال ظاهری مالکیت استفاده کنند، بدون اینکه قصد واقعی انتقال وجود داشته باشد. این امر گاه برای فرار از مسئولیت قانونی یا مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- دور زدن قواعد بیع: اگر معامله بیع به دلایل مختلف منع قانونی داشته باشد، افراد ممکن است ظاهراً از عقد صلح استفاده کنند تا اثر انتقال مالکیت را به صورت غیرمستقیم ایجاد کنند (Ibn Manzur, 1994).

ب: تفاوت صلح بدوی و صلح در مقام معاملات عقد صلح از نظر ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- صلح در مقام دعوا: برای حل و فصل دعاوی به کار می‌رود.
- ۲- صلح در مقام معاملات: می‌تواند جایگزین عقود معین شود و نتایجی مشابه آن‌ها داشته باشد (مانند بیع، هبه، یا اجاره). اما صلح در مقام معاملات، در صورتی که با هدف پنهان‌سازی قصد واقعی طرفین استفاده شود، می‌تواند به ابزاری برای سوءاستفاده تبدیل شود.

ج: قوانین مرتبط و محدوده سوءاستفاده از عقد صلح:

- ۱- اصل حاکمیت اراده: عقد صلح معمولاً بر اساس توافق اراده‌ی طرفین شکل می‌گیرد و به همین دلیل کمتر محدود به قالب‌های سخت‌گیرانه است. این ویژگی می‌تواند به عنوان نقطه ضعفی برای سوءاستفاده از آن تلقی شود.

• مسائل حقوقی:

- فرار از پرداخت دیون یا مالیات از طریق شروط صلح.
- پنهان‌سازی مالکیت یا انتقال غیر واقعی مال

(Ibn Qudamah, 1995).

۸- آثار و نتایج سوءاستفاده از عقد صلح در حقوق موضوعه

عقد صلح به عنوان یکی از عقود انعطاف‌پذیر و گسترده در حقوق مدنی ایران و فقه اسلامی شناخته می‌شود. با این حال، گاهی سوءاستفاده از این عقد باعث وقوع مشکلات حقوقی و بی‌عدالتی در نظام قانونی می‌شود. بر اساس داده‌های موجود، برخی از نتایج و آثار سوءاستفاده از عقد صلح به شرح زیر است:

الف: سوءاستفاده از انعطاف عقد صلح: قانون‌گذار ایران برای عقد صلح انعطاف بالایی قائل شده است، به طوری که این عقد می‌تواند به طور گسترده‌ای جایگزین عقود معین شود. این ویژگی باعث شده که عقد صلح در مواردی برای گریز از برخی محدودیت‌های قانونی مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

ب: مشکلات ناشی از سوءاستفاده در معاملات: عقد صلح می‌تواند به شکل معوض یا غیرمعوض منعقد شود و حتی گاهی برای پوشش معاملات غیرقانونی یا انجام معاملات غیر واقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

• مانند:

- پنهان کردن نقل و انتقالات غیرقانونی.
- استفاده از صلح برای انجام معاملات ربوی یا غیر مجاز.
- اثر: این اقدامات می‌توانند منجر به تضعیف حقوق طرفین صادق در قراردادها شوند و بی‌نظمی در معاملات حقوقی ایجاد کنند.

ج: دور زدن قانون از طریق عقد صلح: برخی افراد از عقد صلح برای گریز از الزاماتی که قانون برای سایر عقود معین کرده است، استفاده می‌کنند.

• نمونه:

- استفاده از صلح به جای بیع برای فرار از مالیات‌های نقل و انتقال.
- صلح برای انتقال اموال غیرقانونی یا پوشاندن مالکیت خیالی.

• پیامد: این روش‌ها باعث کاهش اعتماد به سیستم حقوقی و گسترش رفتارهای غیرقانونی می‌شود.

چ: کاهش شفافیت در روابط حقوقی: سوءاستفاده از عقد صلح در مواردی می‌تواند روابط حقوقی را پیچیده کند و امنیت حقوقی افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

• نتیجه: کاهش شفافیت موجب افزایش اختلافات حقوقی و دشوارتر شدن حل و فصل دعاوی در دادگاه‌ها می‌شود (Kashani, 1973).

۹- حدود و قیود قانونی برای جلوگیری از حيله در عقد صلح: عقد صلح یکی از عقود مهم و انعطاف‌پذیر در نظام حقوقی ایران

- نمونه: در مواردی که صلح برای فرار از دین استفاده می‌شود، دادگاه‌ها می‌توانند بر اساس شواهد و مستندات، صلح را بی‌اعتبار اعلام کنند.

### ج: ممنوعیت صلح بر سر مواردی که خلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه است

- ۱- قانون مدنی (ماده ۹۷۵): تأکید می‌کند هر توافق یا قراردادی که مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، فاقد اعتبار است.
- ۲- تطبیق: اگر صلح به‌عنوان حيله‌ای برای ورود ضرر به اشخاص ثالث یا جامعه مورد استفاده قرار گیرد، از دید قانون و قوه قضاییه بی‌اعتبار است.

### ح: محدودیت در صلح بر سر حقوق غیرقابل انتقال: بر اساس قوانین ایران، برخی حقوق غیرقابل انتقال هستند (مانند حقوق مبتنی بر شخصیت یا برخی از منافع عمومی). بنابراین:

- قانون مدنی: صلح برای انتقال این حقوق یا توافقاتی فاقد مشروعیت (مانند صلح بر سر اموال غیرقانونی) منع شده است (Tabatabaei & Ghasemi, 2011).
- اثر: صلح بر سر این حقوق هیچ‌گونه اعتباری ندارد.

### خ: نقش آگاهی طرفین در جلوگیری از حيله: یکی از الزامات صلح به‌ویژه در جهت جلوگیری از سوءاستفاده، آگاهی و سلب ابهام طرفین است. برای این هدف:

- قوه قضاییه و نهادهای حقوقی موظفند طرفین را از اثرات حقوقی قراردادهای صلح آگاه سازند.
- اثر: کاهش سوءاستفاده از ناآگاهی طرف مقابل در تنظیم صلح‌نامه‌ها.

### نتیجه‌گیری

عقد صلح به دلیل انعطاف‌پذیری و امکان جایگزینی آن با سایر عقود، یکی از ابزارهای موثر در تنظیم روابط حقوقی و حل اختلافات است. با این حال، همین ویژگی‌ها باعث شده تا این عقد

است که به دلیل گستردگی کاربرد و امکان جایگزینی آن به‌جای سایر عقود، گاهی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل، قانون‌گذار و فقه اسلامی تلاش کرده‌اند با وضع قیود و محدودیت‌های مشخص، مانع از سوءاستفاده (حيله) در این عقد شوند. در ادامه، برخی از این قیود و حدود قانونی برای جلوگیری از حيله در عقد صلح بررسی می‌شوند.

الف: لزوم رعایت مشروعیت قصد و اراده طرفین: یکی از مهم‌ترین عناصر در هر عقد از جمله صلح، مشروعیت اراده و قصد طرفین است. در صورتی که طرفین از قرارداد صلح برای نیت غیرمشروع یا حيله‌های غیرقانونی استفاده کنند:

- قانون مدنی ایران (ماده ۱۹۰): مقرر می‌کند که هر قرارداد باید مبتنی بر قصد و رضا باشد و مشروعیت جهت قرارداد نیز الزامی است.

- اثر: در صورتی که جهت معامله غیرمشروع باشد، قرارداد صلح از نظر حقوقی باطل است.

ب: منع صلح در قالب ترفندی برای دور زدن قانون: قانون مدنی ایران در موارد مختلف به جلوگیری از استفاده نادرست از انعطاف عقد صلح اشاره کرده است:

- ماده ۷۵۸ قانون مدنی: تأکید کرده است که صلح نمی‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای دور زدن قوانین مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال:

- استفاده از صلح برای فرار از مالیات.
- استفاده از صلح برای انتقالات غیرقانونی یا ربوی.

### ج: نظارت دادگاه‌ها بر صحت و مشروعیت صلح: در دعاوی حقوقی، دادگاه‌ها وظیفه دارند که:

- ۱- مشروعیت مفاد صلح‌نامه‌ها را بررسی کنند.
- ۲- بررسی کنند که آیا این صلح‌نامه برای جلوگیری از اجرای تعهدات قانونی یا ایجاد حيله‌ای خاص تنظیم شده است یا خیر.

گاهی به عنوان ابزاری برای حيله نسبت به قوانين و گريز از الزامات قانونی مورد سوءاستفاده قرار گیرد. بررسی فقهی و حقوقی این موضوع نشان می‌دهد که مشروعیت قصد و اراده، رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه، و جلوگیری از کاربردهای غیرمشروع عقد صلح، جزو اصول اساسی هستند که باید در انعقاد این قرارداد مورد توجه قرار گیرند.

در فقه اسلامی، مشروعیت نیت طرفین و عدم مخالفت مفاد قرارداد با شریعت، اساس صحت این عقد است. از سوی دیگر، در حقوق موضوعه ایران نیز برخی مواد قانونی مانند مواد ۷۵۷ تا ۷۶۰ قانون مدنی به طور مستقیم تلاش کرده‌اند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند و صلح را از ابزاری برای دور زدن قوانین به دور نگه دارند. با این حال، همچنان مواردی نظیر فرار از مالیات، انتقال مالکیت‌های غیرقانونی، و توافقات صوری به عنوان نمونه‌هایی از حيله‌های حقوقی در استفاده از عقد صلح مطرح می‌شوند.

بر اساس نتایج این تحقیق، جلوگیری از سوءاستفاده از عقد صلح نیازمند اقدامات زیر است:

۱. تقویت نظارت قضایی بر صلح‌نامه‌ها و بررسی دقیق اهداف و مفاد قرارداد.

۲. افزایش آگاهی حقوقی طرفین از آثار و عواقب قانونی سوءاستفاده از عقد صلح.

۳. تدوین مقررات بازدارنده و اصلاح آیین‌نامه‌های مرتبط برای محدود کردن استفاده نادرست از این عقد.

۴. ایجاد شفافیت بیشتر در تنظیم و ثبت صلح‌نامه‌ها توسط نهادهای رسمی.

۵. توسعه رویه‌های قضایی روشن: برای مقابله با موارد صلح غیرمشروع و حيله‌گرانه.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که عقد صلح، اگر در چارچوب ضوابط قانونی و فقهی و با رعایت قیود مشروعیت تنظیم شود، می‌تواند ابزاری موثر برای کاهش اختلافات حقوقی باشد، اما عدم نظارت کافی و وجود خلأهای قانونی می‌تواند زمینه‌ساز حيله‌های حقوقی و سوءاستفاده از این نهاد حقوقی شود. بنابراین، اصلاحات حقوقی و نظارت دقیق‌تر بر اجرای این عقد در راستای حفظ عدالت و نظم عمومی جامعه ضروری به نظر می‌رسد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

The Peace contract, known in Islamic jurisprudence and Iranian civil law as a settlement agreement, has long occupied a significant position as a flexible and adaptive legal instrument. Originally intended as a means for resolving disputes and reducing litigation, this contract has evolved into a versatile legal tool capable of replacing various binding contracts such as sale, lease, or gift. Its conceptual elasticity stems from its jurisprudential roots, where it is seen as a consensual contract aimed at conflict resolution and peacebuilding, even in

situations not traditionally considered contentious. In Iranian civil law, Article 758 of the Civil Code recognizes the dual function of Peace: either resolving current disputes or preventing future ones. This duality, while beneficial for legal convenience, poses substantial risks for legal manipulation. Some individuals may exploit its adaptability to circumvent statutory obligations, modify legal relations beyond permissible bounds, or present deceptive transactions. This paradox — of a contract meant to serve justice but vulnerable to distortion — lies at the heart of this study. It seeks to unpack the

jurisprudential and legal frameworks surrounding Peace and analyze how its misuse constitutes legal deception, with the aim of developing preventative and regulatory strategies to limit this abuse (Emami, 1996).

At the core of the Peace contract's controversial utility is its unparalleled flexibility, which allows it to subsume other contracts and tailor itself to various legal needs. This elasticity is celebrated in Islamic jurisprudence for accommodating the will of the parties, rooted in the principle of autonomy. However, such flexibility also introduces ambiguity, especially when the intent behind the contract becomes unclear or intentionally obfuscated. Jurists from the Shi'i tradition emphasize the role of *niyyah* (intention) in validating a Peace contract. If the parties' intent is to deceive, evade obligations, or engage in morally questionable practices — such as tax evasion, fraudulent conveyance, or fake dispute resolution — then the sanctity of the contract collapses. Indeed, both classical jurisprudential sources and contemporary legal interpretations stress that contracts built on immoral or deceptive grounds lack legal legitimacy (Behbahani). Iranian statutory law codifies these principles under Articles 757–760, with explicit emphasis on lawful purpose and public order. The legal community has thus wrestled with a tension: how to uphold the contractual freedom afforded by Peace while imposing effective limits that deter its misuse. The delicate balance between contractual liberty and regulatory control continues to challenge both courts and scholars, especially in detecting instances where the contract's appearance masks illicit objectives.

The problem of deception via Peace contracts becomes more intricate in the context of their use to alter the appearance of legal relationships. In such cases, parties may craft a Peace agreement to recharacterize a transaction that would otherwise be void,

restricted, or legally encumbered. This is particularly evident in attempts to disguise prohibited contracts (e.g., usurious transactions or concealed sales) within the framework of a seemingly legitimate Peace. The courts are often left with the difficult task of discerning the parties' real intent, which may be hidden under the formal legality of the contract's text. The use of Peace to bypass formalities — such as inheritance rights, tax obligations, or registration procedures — reveals its potential to undermine both legal certainty and public trust in the judicial system (Ibn Manzur, 1994). Furthermore, the ethical implications are equally significant. Islamic ethics, deeply embedded in jurisprudential thought, disapprove of employing legal tools for wrongful ends, even if done through technically permissible forms. Therefore, preventing such abuse requires not only formal legal constraints but also robust moral education and awareness within the legal profession and society at large.

The mechanism of legal trickery through Peace finds its most problematic manifestations in the crafting of fictitious agreements and superficial dispute settlements. Often, parties simulate a conflict only to later "resolve" it through Peace, masking real transactions or shielding assets from creditors. This strategy has also been employed to evade statutory restrictions on specific types of transactions, such as land transfers or inheritance rights. For example, replacing a sale contract — which is subject to numerous formalities and limitations — with a Peace agreement may offer a deceptive path to the same outcome without adhering to those requirements. Such conduct not only violates the spirit of the law but also obstructs judicial efficiency and undermines the equitable functioning of the legal system. Jurists like Ibn Qudamah have warned against such manipulations, advocating that even if a contract is legally structured, it should be invalidated if its

hidden objective is illegal or unethical ([Ibn Qudamah, 1995](#)). From a practical perspective, this demands a more investigative and interpretative role from the judiciary, which must scrutinize the context, intent, and implications of each Peace agreement beyond its superficial form. The courts must be empowered, both legally and procedurally, to invalidate contracts that serve as mere façades for prohibited actions.

Given the rising instances of legal deception through Peace contracts, Iranian lawmakers and judicial authorities have introduced specific legal provisions and jurisprudential guidelines to restrict such misuse. Article 190 of the Civil Code sets out that every contract must be based on lawful cause and legitimate intention; failure to meet these standards renders the contract void. Article 975 further reinforces this by annulling agreements that contravene public order or good morals. In practice, courts have referred to these articles when invalidating Peace contracts designed to mask tax evasion or hide illicit property transfers. Furthermore, educational campaigns by judicial and legal training institutions now emphasize the need for greater scrutiny in the drafting, reviewing, and registration of Peace contracts. Awareness-raising is especially vital among notaries, legal advisers, and contract drafters, whose roles are central in the early detection of deceptive intentions. The scholarly community has also proposed the introduction of clearer legal templates and standardized clauses for Peace contracts to minimize interpretative ambiguities ([Tabatabaei & Ghasemi, 2011](#)). These reforms reflect a growing recognition that regulatory clarity, coupled with professional training and public legal awareness, constitutes the most effective bulwark against contractual misuse in the contemporary legal system.

A comprehensive analysis of the abuse of Peace contracts reveals significant jurisprudential,

legal, and ethical implications. While the contract itself is not inherently problematic, its excessive elasticity creates fertile ground for exploitation when parties act in bad faith. Legal experts have observed that these contracts have been used to cloak usurious transactions, transfer property illegally, or construct fictitious ownership claims. For example, pretending to resolve a non-existent dispute through Peace in order to formalize an otherwise illegal transfer of real estate not only distorts the facts but also creates challenges in contract enforcement and judicial accountability. As a consequence, legal scholars have underscored the need to differentiate between Peace contracts made in good faith and those serving as instruments of fraud. The rise in such deceptive practices not only erodes the credibility of the legal system but also complicates the administration of justice, forcing judges to rely increasingly on circumstantial evidence and inferred intent. Jurists such as Kashani have emphasized that when Peace contracts are weaponized for deceit, they disrupt legal transparency and public trust, necessitating more aggressive legal oversight and potential criminalization of certain deceptive behaviors ([Kashani, 1973](#)).

In conclusion, while the Peace contract stands as a cornerstone of both Islamic jurisprudence and Iranian civil law, its practical application must be vigilantly monitored to prevent its distortion into a tool of deception. This study demonstrates that the root of the problem lies not in the contract's structure but in its misuse — often driven by the intent to circumvent legal norms. Bridging the gap between legal form and moral content is essential to restore public trust in this powerful legal instrument. The future of the Peace contract as a credible and ethical dispute-resolution mechanism depends on a delicate balance between safeguarding contractual freedom and enforcing legal and moral accountability. Accordingly, this research suggests a

multifaceted strategy — involving legislative reform, judicial vigilance, and educational outreach — as the most effective means to ensure the contract's alignment with both the letter and spirit of the law. Only through such comprehensive measures can the Peace contract fulfill its rightful purpose in promoting justice, fairness, and legal order in contemporary legal systems.

### References

- Behbahani, A. B. *Risalah fi al-qard bi-shart al-mu'amalah al-muhabatiah*. Ketabkhaneh-ye Majles-e Shoraye Eslami.
- Emami, S. H. (1996). *Hoquq-e madani* (Vol. 2). Ketabforushi-ye Eslamiyeh.
- Ibn Manzur, A. a.-F. M. i. M. (1994). *Lisan al-'Arab* (Vol. 6 and 12). Dar al-Fikr / Dar Sader.
- Ibn Qudamah, M. a.-D. (1995). *Al-Mughni wa al-sharh al-kabir* (Vol. 5). Dar al-Hadith.
- Kashani, S. M. (1973). *Nazariye-ye taqallob nesbat be qanun "hiyal"*. Bina.
- Tabatabaei, S. M. S., & Ghasemi, R. (2011). Qa'ede-ye jologiri az taqallob nesbat be qanun dar hoquq-e dakheli. *Hoquq-e Eslami*(31).